

بهروز سورن: یک دقیقه سکوت برای قربانیان و یک دقیقه تعمق - چه کسانی باید پاسخگوی اعمالشان باشند بخش سوم!



تابو شکنی بخشی از اپوزیسیون چپ رادیکال هم با استفاده مکرر از بلندگوی بنگاههای خبری خود را نشان میدهد. نشستن در کنار فرخ نگهدار و سایر سمبل های سازش و خیانت تلاشی بود که تابوی این افراد را هم که مجرم سیاسی هستند و شعار سپاه پاسداران را به سلاح سنگین مجهز کنید! را مادیت بخشیدند، بشکنند. گردهمایی چهارم زندانیان سیاسی در گوتنبرگ نیز در این تابو شکنی نقش داشت. بدین شکل که دو دوره اول برگزاری این تجمع با اتکا به توان بخش وسیعی از نیروهای چپ رادیکال برگزار شد و طیف وسیعی نیز در آن شرکت کردند. بنظر من میتوانست این دو دوره بهتر و در حوزه سرنگونی طلبان اپوزیسیون تبعیدی بیشتر جانب تعادل را رعایت کند و نقدی نیز در این زمینه نوشتیم.

گردهمایی سوم بلحاظ کیفی بهتر با توسل به ابتکارات جدید برگزار شد. علیرغم اینکه بلحاظ کمی افول چشمگیری داشت و با وجود برگزاری آن در هانور که محل تجمع بسیاری از ایرانیان تبعیدی است اما این کسری بوضوح مشاهده شد.

پر واضح بود که ریزش تدریجی نیروهای دخیل در سه دوره پیشین ادامه خواهد داشت و به همان نسبت توان برگزاری گردهمایی چهارم تنزل خواهد کرد. تداوم این نشست ها منوط و مشروط به جذب امکانات جدید بوده است. تابو شکنی برگزارکنندگان آن از همینجا شروع میشود. کمبود نیروهای حامی این مجموعه طبعاً این طیف را از امکانات بسیاری محروم میسازد. چه در زمینه های مالی و چه در برگزاری کیفی آن.

از همینرو نیروهای غیر خودی! بخوانید سبزه ها و اصلاح طلبان به محاسبه می آیند و برای پر کردن جای کسری ها در این گردهمایی به مشارکت دعوت می شوند. هزینه ها را بخشا تقبل می کنند و شرط و شروط ها را برای برگزارکنندگان مشخص می کنند.

توسل به امکانات نهادها و ارگانهای دولتی به هر حال در زمینه های بسیاری از فعالیت اپوزیسیون در خارج از کشور انجام می پذیرد. بویژه در بستر دفاعی از حقوق بشر که نهادهای بسیاری بدان مشغولند این نکته را میتوان دید. این ارگانها وظیفه دفاع از حقوق بشر را پیش روی خود قرار داده اند و در ابعادی تعریف شده فعالیت حقوق بشری دارند.

چنانچه این مراکز به منابع مالی اتصال داشته باشند درست یا غلط این ارتباط را پنهان نمیکنند و در برابر سرزنش ها خود را توجیح می کنند. اما اگر نهادهای چپ سرنگون طلب که آوازه مبارزه ضد امپریالیستی را آویزه گوش همگان می کنند به جذب امکانات مالی دولتهای ذکر شده بپردازند میتوان در رفتار سیاسی آنها نا راستی دید.

میتوان پرسید که جریان چیست؟ میتوان نقد کرد که چگونه این دول تامین کننده مالی جریاناتی می شوند که با خود آنها گلاویز شوند؟ جریانی که تحت نام گفتگوهای زندان و در ابعادی بزرگتر با عنوان برگزارکنندگان گردهمایی چهارم

زندانیان سیاسی در شهر گوتنبرگ مشخص می شوند با انتقادات و اتهامات سنگینی دادگاه لندن و ایران تریبونال را محکوم به جذب کمکهای مالی از نهادهای دولتی کشورهای غربی کردند.

ایران تریبونال بخشا پاسخ هائی از طریق فعالینش به آنها داده است و آنطور که از مقاله آقای ایرج مصداقی مطلع میشویم اینکه در رابطه با شفافیت بخشیدن به منابع مالی و مخارج برگزاری این دادگاه کار میشود و منتشر خواهد شد.

صرفنظر از این جدل ها به اعتقاد من برای نیروهای چپ و بویژه در رابطه با زندانیان سیاسی و دهه شصت می بایستی با ظرافت و دقت بیشتری عمل کرد. چنانچه به دادخواهی زندانیان سیاسی نظر داریم از هرگونه شبهه و وابستگی به نهادهای حاشیه ای دولتهای امپریالیستی میبایستی حذر کرد. تنها جریانی در این زمینه موفق خواهد بود که به نیروی وسیع بازماندگان و خانواده زندانیان سیاسی اتکا و از پشتیبانی آنها برخوردار است. نمیتوان یکی به نعل و یکی به تخته زد. نمیتوان با کسانی آمیزش کرد که خواهان ابقای حاکمیتی هستند که قربانیان را به دیار نیستی فرستاده اند.

سایت گزارشگران بنابر مسئولیت و وظیفه ای که تا کنون بر عهده داشته است از هر صدای دادخواهانه دفاع کرده است و یکی از پشتیبانان مبارزه با فراموشی این جنایات در دهه شصت بوده است. در آینده نیز چنین خواهد کرد. صرفنظر از درگیری های خرده یا کلان طیف های مطرح نظر خود را بارها اعلام کرده است که دادخواهی دهه شصت را نباید آلوده کرد. حال از جانب زندانیان سیاسی بازمانده باشد یا نهادهای متشکل دادخواهی از قربانیان آن دهه.

جوهره این سطور این استکه:

اولا اگر نقدی به ایران تریبونال روا باشد قطعا از سوی برگزارکنندگان و حامیان گردهمائی چهارم زندانیان سیاسی در گوتنبرگ نیست. از سوی کسانی مشروعیت دارد که در مقام دریافت امکانات از نهادهای دولتی کشورهای غربی تا کنون نبوده اند.

دوما بلندگوی دادخواهی از قربانیان دهه شصت به نمایندگان این نهادها , سبزه های شناخته شده و هواداران موسوی و کروبوی را اعطا نکرده اند.

سوما به سانسور متون و پروژه های افشاگرانه فعالین و رسانه ها در نمایشگاه مراسم شان نپرداخته اند.

چهارما نیمی از سخنرانان مراسم خود را جزء دادگاه لندن (ایران تریبونال نداشته اند)

پنجما بدنبال بلندگوی بنگاه های خبری این دولت ها نبوده اند.

ششما در موج تابو شکنی کذائی برای درهم ریختگی صفوف سرنگونی طلبان و سازشکاران و گرد و خاک پاشیدن در چشم مردم نبوده اند.

ای کاش افراد و شخصیت هائی که خیلی تند و تیز به دادگاه لندن (ایران تریبونال نقد می کنند و میتازند) نظر خودشان را هم در مورد آ ب اف و افرادی همانند رضا طالبی و سبزه های اصلاح طلب سخنران و سانسور گسترده نمایشگاه در گردهمائی چهارم زندانیان سیاسی نیز می نوشتند. قطعا سبزه بودن آنها اتهام آنها نیست. حمایت از بخش اصلاح طلب حکومتی که در حال حاضر خیز برای گرفتن سکان جمهوری اسلامی را برداشته است مد نظر است.

اینها اصل نظام را در نظر دارند و خواب دوران طلائی امام شان را می بینند. گردهمائی چهارم دوستان خود را از میان آنها برگزید و بهمین دلیل سانسور در پیش گرفت و سکان را بدست سبزه‌های شناخته شده در خارج از کشور داد. نظر شما خانم محسنی و فرخنده آشنا و آقای یوسف لنگرودی و ایوانی و دیگران در مورد این اظهارات آقای طالبی چیست؟ آقای طالبی هم یک فرد عادی و ساده در گردهمائی چهارم نبود.

نظرات شما در همین ستون درج خواهد شد!

رضا طالبی - اولاف پالمه - فعال سیاسی و عضو اتحادیه آموزشی کارگران سوئد، آب اف

رضا طالبی تصریح کرد: اول جنبش سبز مردم ایران مترقی و عدالت خواهانه است. دوم نماینده خواست های مردم ایران است، سوم مسالمت آمیز و اصلاح طلبانه است چهارم دارای ساختار شبکه ای و غیر متمرکز است و پنجم جنبش سبز مردم ایران مورد حمایت جامعه جهانی است.

برگرفته از احترام آزادی

یک دقیقه تعمق!

sooren001@yahoo.de